

تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه\*

دکتر محمدجعفر حبیب زاده

استاد دانشگاه تربیت مدرس

محسن شریفی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی طبرستان

#### چکیده

اهتمام و احترام به آزادی تن و تقبیح و نکوهش سلب آن جز در موارد استثنایی آن هم به تجویز قانونگذار، در اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای، کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین اساسی و داخلی کشورها از جمله قوانین موضوعه ایران محل اجماع قرار گرفته است. اعمال واکنش‌های محسوس و پیش‌بینی مجازاتهای شدید و لغو نهادهای تعدیل‌کننده - مثل تعلیق - مؤید خشم قانونگذاران و مبین جرح احساسات پاک بشری نسبت به این پدیده مذموم است. توصیف بسیاری از فقهای عظام از ربایش و فروختن انسان تحت عنوان افساد فی‌الارض، پیش‌بینی ضمانت اجراهای سنگین در تاریخ قانونگذاری ایران مثل اعدام، حبس ابد و حبس بلندمدت، نشان از تجهیز دایمی زرادخانه‌های کیفری برای ریشه‌کن کردن این رویداد ناصواب دارد. تدقیق در اجزاء و ارکان این جرم و مقارنه آن با مفاهیم مشابهی چون توقیف و حبس غیرقانونی و تبیین فقهی این موضوع و نیز بیان خلاءهای تقنینی موجود با تطبیق حقوق فرانسه در خصوص این جرم، وظیفه‌ی اساسی این نوشتار است.

واژگان کلیدی:

آدم‌ربایی، اختفاء، توقیف غیرقانونی، نوزادربایی، آزادی تن

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱/۱۹

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

نشانه پست الکترونیکی نویسنده: habibzam@modares.ac.ir

بهره‌کشی جنسی، بردگی، ازدواج اجباری، سرقت اموال، انتقام، سوءاستفاده از اعضاء و جوارح، فرزندخواندگی، اعانت به بزه‌دیده و امثالهم از جمله دواعی مشروع یا نامشروع سوق‌دهنده و ترغیب‌کننده برخی انسانها برای ارتکاب آدم‌ربایی یا اختفای غیرقانونی اشخاص به‌شمار می‌روند. خوف و ناامنی جهانی، منطقه‌ای و ملی ناشی از روند رو به تزاید آدم‌ربایی، حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی را بر آن داشته تا با درک صحیح از این وضعیت اسف‌بار، از خود واکنش نشان داده و با تدوین قوانین و مقررات و پیش‌بینی تدابیر سرکوبگر به مصاف قاطع با این پدیده مدموم و این بلیه خطرناک بشری روند. مواد ۳ (بند ب) و ۳۴ قرارداد ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو<sup>۱</sup>، بند ۱ ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶<sup>۲</sup>، (شاکریان، ج ۱، صص ۲۰۲۰ و ۱۳۴۱ و ج ۳، ص ۵۳۵)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در باب گروگان‌گیری (ماده ۸)<sup>۳</sup>، اعلامیه اسلامی حقوق بشر (ناصرزاده، ۱۳۷۲، دفتر اول)، قرآن کریم (سوره اسراء، آیه ۷۰)<sup>۴</sup>، اصول ۲۲، ۳۲ و ۳۳ قانون اساسی ایران، مواد ۵۷۵، ۵۸۳، ۶۲۱ و ۶۳۱، در خصوص آزادی انسان بویژه آزادی تن و احترام به آن حاوی مطالب مهم و صریحی است که معطوف به ابعاد مختلف موضوع، اعم از حبس و توقیف غیرقانونی، آدم‌ربایی، نوزادربایی و اختفاء آنان می‌باشند که در این مجال ضمن تمرکز بر ابعاد جرم آدم‌ربایی به وجوه تشابه و تفاوت آن با جرایم مشابه پرداخته خواهد شد.

لازم به ذکر است که قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، ماده واحده، طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان مختلف مصوب ۱۳۳۵، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص ۱۳۵۳ و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، به جرم انگاری و تفصیل ابعاد این پدیده پرداخته‌اند که جز برخی از مواد قانون ۱۳۵۳، مابقی آنان نسخ گردیده‌اند. ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی بطور صریح و ماده ۶۲۱ بطور ضمنی، به ترتیب ناسخ قانون مجازات عمومی و قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف و برخی از مواد قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص می‌باشند که بررسی و مقارنه آنها نیز بر عهده این نوشتار است.<sup>۵</sup> همچنین پاسخ به این پرسش مهم که آیا ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی کفایت پوشش دادن به شقوق و فروض مختلف تحقق آدم‌ربایی را دارد یا خیر؟ و اینکه چرا مواد یازده‌گانه قانون ۱۳۵۳ با آن همه تفصیل و تشریح در ماده موصوف به سمت ایجاز سوق نموده، از جمله نکات دیگری است که در حوزه بحث ما مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در حقوق کیفری فرانسه، قانونگذار ابتدا آدمربایی را همراه با جرایمی مانند توقیف و حبس و اخفاء غیرقانونی در ماده ۱-۲۲۴ آورده است<sup>۶</sup> ولی از نظر عناصر مادی و روانی این جرایم با هم متفاوت و متمایز می‌باشند و در مواد بعدی تا ماده ۹-۲۲۴ سایر کیفیات و مجازات‌های مربوط به آدمربایی را ذکر کرده است. در مواد ۶-۲۲۴ تا ۸-۲۲۴ هم حکم تصرف غیرقانونی و ربودن هواپیما و کشتی و در ماده ۹-۲۲۴ مجازات‌های تکمیلی مربوط به جرایم مذکور در این بخش را بیان نموده است.<sup>۷</sup> سپس در مواد ۷-۲۲۷ و ۸-۲۲۸ ربودن اطفال توسط ولی و غیرولی را بیان نموده<sup>۸</sup> و در ماده ۱-۴۲۱ آدمربایی‌های با اهداف تروریستی را بیان نموده و در مواد بعدی مجازات‌های شدیدتری نیز برای آن آورده است.

## ۲- مفهوم جرم آدمربایی و تمیز آن از جرایم مشابه

آدمربایی (Kidnapping / abduction) به دلیل آنکه موضوع آن انسان است و نه مال، از مفهوم سرقت که عبارتست از ربایش مخفیانه شی متعلق به دیگری متمایز شده و به استیلا یافتن بر انسان و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر به صورت غیرقانونی و برخلاف میل و اراده وی تعریف شده است (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۴۹). همچنین جابجا کردن غافلگیرانه فرد بدون رضایت (عنف، تهدید و هر نحو دیگر) (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۶) انتقال یک یا چند شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف اراده آنان که ممکن است از راه خدعه یا فریفتن یا زور انجام گیرد (نخله، ۲۰۰، ص ۶۶). بنابراین تحقق آدمربایی در گرو تسلط بر تن بزه‌دیده و اقدام به نقل مکان او با هر انگیزه‌ای و بدون رضایت او از طریق اجبار، تهدید یا اغفال می‌باشد. اشاره به مؤلفه جابجایی پس از استیلا بر قربانی، مقید بودن جرم مزبور را نشان می‌دهد. لذا صرف وضع ید بر بزه‌دیده بدون اقدام به تحرک و جابجایی وی از حوزه آدمربایی خارج و تحت عناوین دیگری مثل توقیف یا حبس غیرقانونی قابل بحث است (حبیب‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۴، ص ۴۹). معهذا برخی در اتخاذ موضعی مخالف، به مطلق بودن این جرم معتقد بوده و جابجایی بزه‌دیده را نه به عنوان نتیجه، بلکه به عنوان جزئی از رفتار مجرمانه تعبیر نموده‌اند (صبری، ۱۳۸۷، ص ۲۵). نظر به اینکه وجه ممیزه آدمربایی با عناوین مشابهی چون بازداشت و حبس غیرقانونی در عنصر جابجایی و انتقال نهفته است که آن هم متعاقب استیلا بر تن قربانی به منصفه ظهور رسیده و بر همین پایه آزادی تن وی سلب می‌گردد، دیدگاه نخست موجه‌تر به نظر می‌رسد. قانونگذار در موادی مثل ۵۷۵<sup>۹</sup> و ۵۸۳<sup>۱۰</sup> قانون مجازات اسلامی به توقیف غیرقانونی و بازداشت افراد پرداخته که هر چند همچون آدمربایی نتیجه‌ای جز سلب آزادی تن ندارد، لکن تحقق آدمربایی برخلاف عناوین مشابهی چون جلب، توقیف و حبس غیر

## ۲۲ / تحلیل ارکان جرم آدمربایی در روند قانون گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

قانونی، متوقف بر جابجایی مجنی علیه پس از استیلا بر اوست. آئی و مقید بودن آدمربایی، مستمر بودن و مطلق بودن حبس غیرقانونی و نیز مقید بودن آدمربایی در برابر مطلق بودن بازداشت غیرقانونی از جمله تفاوت‌های دیگر قابل ذکر در این زمینه به‌شمار می‌روند. البته برخی توقیف غیرقانونی را هم جرمی مستمر تلقی کرده و از این حیث آن را از آدمربایی منفک نموده‌اند (حبیب‌زاده، رحیمی‌نژاد، ص ۴۹) علاوه بر موارد مزبور، مرتکبین آدمربایی اغلب اشخاص عادی و مرتکبین توقیف و حبس غیرقانونی اغلب مأموران و مقامات دولتی هستند (همان، ص ۴۹). قابل تعلیق بودن جرایم حبس و توقیف غیرقانونی و غیرقابل تعلیق بودن آدمربایی که به عنوان تفاوتی دیگر از سوی برخی از دانشمندان حقوق کیفری مطرح شده است (همان، ص ۵۰) که به گمان ما در زمره تفاوت‌ها ماهوی و بنیادین بزه‌های مزبور قرار نگرفته، بلکه صرفاً مبین آثار متفاوتی است که به آنها معطوف است، چندان که قابل تعلیق بودن تخریب و غیرقابل تعلیق بودن آدمربایی به عنوان شاخصه وجوه تفاوت این دو جرم تلقی نشده جز آنکه در تفاوت آثار، قابل تأمل باشد.

از دیگر جرایم مشابه آدمربایی، ربودن طفل تازه متولد شده، موضوع ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی است. هر چند قانونگذار تعریفی از طفل تازه متولد شده ارائه نکرده، لکن می‌توان عرفاً مراد از آن را کودکان تازه متولد شده‌ای دانست که چهره آنها به سهولت قابل تشخیص با دیگر کودکان نباشد (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱). جرم مزبور از لحاظ اجزاء و ارکان، هیچ تفاوتی با آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ندارد، جز این که مجنی علیه آن به جهت تولد تازه، متفاوت از آن باشد. لازم به بیان است موضع دوگانه قانونگذار از این حیث که در ماده ۶۲۱، کمتر از پانزده سال بودن سن منجی علیه را با مجازات مشدده پانزده سال حبس روبرو کرده، در حالی که در ماده ۶۳۱<sup>۱۱</sup> در خصوص ربایش نوزاد که به طریق اولی محتاج حمایت بیشتری است، مجازات شش ماه تا سه سال حبس را مقرر کرده، قابل انتقاد به نظر می‌رسد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۹).

مخفی کردن اموال، مقتولین، متهمین و مجرمین نیز هر یک عناوین مجرمانه مستقلی بوده که به ترتیب موضوع مواد ۶۳۵، ۶۳۶ و ۵۵۳ قانون مجازات اسلامی بوده و جایگاه متفاوتی از اختفاء مورد اشاره ماده ۶۲۱ این قانون را به خود اختصاص داده‌اند. آنچه‌ای که در بخش‌های بعدی مقاله هم تأکید خواهد شد، عدم رضایت قربانی در واقعه آدمربایی شرط تحقق جرم است؛ حال آن‌که در مخفی نمودن مجرم و متهم، رضایت آنان هیچ تأثیری در ماهیت جرم ندارد (زراعت، ۱۳۸۳، ص ۴۸). اقدام به ربودن اتباع ایرانی به‌رغم داشتن همان ماهیت آدمربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، لکن به انگیزه

مقابله به مثل با رفتار دولت امریکا، دولت ایران را بر آن داشت با تصویب ماده واحده مصوب ۱۳۶۸/۸/۱۰، برخورد قاطع و همبستگی را در این راستا انجام داده و تا زمان استمرار این اقدامات ضد انسانی، آن را معتبر و پابرجا اعلام نماید (تبصره ۳). لذا وجه تمایز این قانون با ماده ۶۲۱ بیش از آنکه حقوقی و فنی باشد، سیاسی است.

در حقوق کیفری فرانسه نیز مواردی وجود دارد که برای مجازات جرم آدم ربایی، چه برای اطفال و چه برای غیراطفال پیش بینی شده است. ماده ۱-۲۲۴ قانون جزای فرانسه جرم آدم ربایی را به همراه جرایم دیگری مانند توقیف و مخفی کردن غیرقانونی و بعنف جرم انگاری کرده است. در این ماده قانونی، قانونگذار فرانسه بدون در نظر گرفتن شرایط مشدده و یا مخففه به عنوان جرم پایه و اساس، مجازات بیست سال زندان برای آن در نظر گرفته است و در مواد بعدی که شامل مواد ۲-۲۲۴ تا ۹-۲۴ می شود، شرایط مشدده و مخففه مجازات را بیان کرده و نیز حکم تسلط بر کشتی و هواپیما و تصرف و ربودن آن‌ها را آورده است.

در مواد ۷-۲۲۷ الی ۱۱-۲۲۷ نیز ربودن و دزدین طفل از دست کسانی که مسئول نگهداری آن‌ها می باشند، اشاره شده است، که در این مورد این مواد قابل اجرا هستند و به عنوان مستند قانونی برای جرم آدم ربایی می باشند.

اگرچه در حقوق فرانسه جرایمی مانند توقیف و حبس غیرقانونی به همراه جرم آدم ربایی در مواد فوق آمده اند، ولی عنصر مادی این جرم در رویه قضایی دادگاه‌ها با جرایم فوق الذکر متمایز دانسته شده است و هر کدام جرم مستقلی می باشند. (Veron Michel, 1994, p ۸۹).

### ۳- ارکان تشکیل دهنده جرم آدم ربایی

#### ۱-۳- رکن قانونی

به نحوی که بیان شد وجود مصوبات متعدد در سالهای ۱۳۰۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۷، ۱۳۵۳، ۱۳۶۲، ۱۳۶۸ و ۱۳۷۵ و لایحه مجازات اسلامی که در شرف تصویب و اجرا می باشد، نشان از حساسیت به حق قانونگذار در ادوار مختلف به یکی از شنیع ترین جرایم یعنی آدم ربایی دارد. قانون ۱۳۰۴ در بخش آدم ربایی، به موجب ماده ۱۲ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ و کل آن به موجب ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی نسخ گردیده است.

مفاد قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵/۱۰/۵ نیز که عنوان داشته: «هر راننده ای اعم از آنکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد شخصاً و یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس، مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی

## ۱۲۴ تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

که در آن وسیله تقلیه است بشود، در صورت وقوع قتل محکوم به اعدام است و دادرسان حق ندارد مجازات را حتی یک درجه تخفیف دهند و در صورت وقوع سرقت یا هتک ناموس به عنف به حبس دایم و در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت یا شروع به هتک ناموس به عنف به حبس جنایی درجه یک از پنج تا پانزده سال مجازات محکوم خواهد شد.» با توجه به ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی منسوخ است؛ زیرا در این ماده ضمن اشاره به اعمال حداکثر مجازات حبس ۱۵ سال برای آدم‌ربایی از طریق وسیله تقلیه، به تعدد جرم در صورت وقوع جرایم دیگر نیز توجه شده است.

در خصوص نسخ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ که در دوازده ماده به طور مفصل به فروض مختلف آدم‌ربایی پرداخته است، اختلاف نظر وجود دارد. چندان که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی ۱۲۰۸ / ۷ / ۱۴ - ۵ / ۱۳۷۶ اشعار داشته است: «با توجه به قانون مجازات اسلامی که نتایج و آثار ناشی از ربودن اشخاص مثل صدمات پیش‌بینی شده در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص و یا جرایم دیگر مثل لواط و هتک ناموس و غیره مشمول قانون مجازات اسلامی است و توجهاً به ماده ۶۲۱ قانون جدید التصویب با کلیتی که دارد بالاخص قسمت اخیر که مواد مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین ربایندگان را دربرمی‌گیرد، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ منسوخ است و ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص حبس، اشد است.»<sup>۱۲</sup> به رغم این نظر که علی‌الظاهر رویه قضایی نیز به آن گرایش دارد، به زعم بعضی از حقوقدانان شماری از مواد قانون موصوف از سوی ماده ۶۲۱ منسوخ و شماری دیگر همچنان به قوت خود، از این جهت باقی است که اولاً حکمی از آن در ماده ۶۲۱ یافت نشده و خلاء وجود دارد و ثانیاً هیچ مقرره‌ای حکم به نسخ مطلق قانون مذکور نداده است. لذا باید یکایک مواد قانون ۱۳۵۳ را با ماده ۶۲۱ مطابقت داد تا موارد منسوخ و غیرمنسوخ آن را احراز کرد (حبیب‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۷، زراعت، ۱۳۸۴، صص ۳۳۵-۳۲۸). مطابقت ذیل حاکی از آن است که نظریه اخیر مقرون به صواب و منطبق بر واقع است.

ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن منجی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل تقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه، آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب، به

حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد. تبصره: مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.» با توجه به ماده مذکور، ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان ۱۳۵۳، که مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سوء دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس جنایی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد. در صورتیکه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال خواهد بود»، منسوخ است؛ زیرا کلیه موارد و مصادیق آن توسط ماده ۶۲۱ پوشش داده شده است. نکته قابل ذکری که در این قسمت مهم به نظر می‌رسد آن است که ماده یک قانون مزبور به انگیزه سوء و ماده ۶۲۱ به مطلق انگیزه اشاره کرده است. حال آیا با توجه به این اطلاق، ربودن انسان به هر داعی و انگیزه‌ای مشمول جرم آدم ربایی می‌گردد یا این که منظور واقعی قانونگذار را باید در پرتو انگیزه سوء جستجو کرد؟ به گمان برخی، نظر به سابقه تقنینی آدم ربایی، چه در قانون مجازات عمومی سابق و چه در ماده یک قانون تشدید که انگیزه را مقید به صفت سوء نموده و با امعان نظر به مصادیق مندرج در ماده ۶۲۱ یعنی قصد مطالبه وجه یا انتقام که بر پایه انگیزه‌های سوء استوارند، راه مقرون به واقع آن است که عبارت طریق را متصف به عنصر سوء نموده تا هماهنگ با آنان قرار گیرد (حسینجانی، حقوق جزای اختصاصی (۱)، ۱۳۸۲، صص ۳۰۴-۳۰۳؛ آقایی نیا، ۱۳۸۴، صص ۱۶۹-۱۶۸).

در مقابل، برخی دیگر بر این باورند با توجه به اطلاق واژه انگیزه و حذف عالمانه پس‌وند سوء، آدم‌ربایی را چه با انگیزه ناصواب مثل هتک ناموس و چه با انگیزه مشروع مثل ازدواج، قابل تحقق می‌دانند. بدیهی است وجود انگیزه شرافتمندانه در اعمال تخفیف موثر در مقام خواهد بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۷).

ماده ۲ قانون مذکور نیز که بیان می‌دارد: «هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا آسیب روانی برسد که منجر به مرض دایم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضاء اصلی بدن او گردد مجازات مرتکب اعدام است». به‌زعم بسیاری از حقوقدانان ماده مذکور از این جهت منسوخ است که ماده ۶۲۱ جامعیت لازم را دارا بوده، کلیه مصادیق این ماده را در نظر گرفته است، زیرا هم به مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تصریح گردیده و هم با اشاره به اعمال مجازات بخاطر ارتکاب جرایم دیگر مواردی مثل مرض دایم یا زوال عقل را نیز دربرگرفته است (حبیب‌زاده، رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

## ۲۶ / تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

در مقابل، برخی منسوخ بودن ماده مورد بحث را بنا به دلایلی از جمله اینکه مجازات اعدام پیش بینی شده در ماده ۲ به مطلق قتل اعم از عمد و غیرعمد مرتبط بوده و از سوی دیگر مجازات اعدام و قصاص دو تأسیس حقوقی جدا بوده، اولی تعزیری و دومی حدی با آثاری متفاوت - مثل قابل گذشت بودن دومی - و بعلاوه عدم اشاره ماده ۶۲۱ به ناپدید شدن بزه‌دیده، در حاله‌ای از تردید قرار داده‌اند (زراعت، ۱۳۸۴، صص ۳۳۰-۳۲۹). این استدلال در قسمت ناپدید شدن منجی‌علیه، نظر به فقدان حکم آن در ماده ۶۲۱ قابل دفاع به نظر می‌رسد، لکن در خصوص موارد دیگر به خصوص تفکیک صورت گرفته بین اعدام و قصاص و نیز اطلاق قتل به عمد و غیرعمد قابل پذیرش نیست زیرا، به هر حال، ماده ۶۲۱ به صراحت اشاره به تعدد جرم نموده و اعمال مجازات جرم دیگر در کنار مجازات آدم‌ربایی را تجویز نموده است. وانگهی اراده مقنن بر میزان و نوع مجازات‌ها که با توجه به فضای حاکم بر جامعه پس از انقلاب اسلامی و نیز سایر مصالح اجتماعی تغییراتی به خود دیده، در این ماده واضح بوده و از این حیث برای اعمال ماده ۲ قانون مورد بحث محلی از اعراب باقی نمی‌ماند.

ماده ۳ قانون مورد بحث مقرر داشته: «هرگاه سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و با او لواط شده و یا هتک ناموس او شده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن مجنی‌علیه کمتر از دوازده سال تمام باشد مجازات مرتکب اعدام است». نظر به اینکه در ماده ۶۲۱ از طرفی برای آدم‌ربایی نسبت به اشخاص کمتر از پانزده سال حداکثر حبس مقرر معین شده و از طرف دیگر مجازات جرایم علیه عفت نیز مجوز اعمال پیدا نموده است لذا باید ماده ۳ را منسوخ دانست.

در حقوق کیفری فرانسه نیز ماده ۱-۲۲۴ ابتدا به صورت کلی حکم آدم‌ربایی و مجازات آن را آورده است، سپس در ماده ۵-۲۲۴ گفته است: «زمانی که قربانی یکی از جرایم پیش‌بینی شده در ماده ۱-۲۲۴ طفل تا ۱۵ سال باشد مجازات مجرم حبس ابد است، اگر مجازات آن سی سال حبس جنایی است...» بنابراین قانونگذار فرانسه بطور شدیدی طفل بودن قربانی جرم را مورد تأکید قرار داده و ربودن آن را دارای مجازات سنگین نموده است. اما قانونگذار فرانسه دوباره و در قسمت جرایم علیه خانواده و اطفال در ماده ۷-۲۲۷ و ۸-۲۲۷ ترتیبات دیگری نیز برای ربودن اطفال در نظر گرفته است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «عمل ربودن و دزدیدن یک طفل، توسط ولی (جد) قانونی، طبیعی یا پدرخوانده و مادرخوانده، از دست کسی که طفل طبق یک تصمیم قضایی به آن‌ها سپرده شده و یا از دست کسانی که طفل نزد آن‌ها اقامت دارد، مجازات یک سال زندان و



صدهزار فرانک جریمه نقدی دارد» در این ماده قانونگذار فرانسوی ربودن طفل توسط ولی وی که احتمالاً طفل از او گرفته شده، دارای مجازات اندکی است و این امر شاید بخاطر شرایط قرابت بین طفل با پدر و مادر وی باشد.

در ماده ۸-۲۲۷ هم ربودن طفل با شرایط فوق توسط شخص غیر از ولی یا جد وی دارای مجازات بیشتری است که عبارت است از پنج سال زندان و پانصد هزار فرانک جریمه نقدی. البته در این ماده آمده است که رباینده طفل را بدون حیله یا خشونت و عنف بر باید که بنظر می رسد، فرض جایی باشد که طفل با رضایت همراه رباینده می رود و در حقیقت ولی و نگهدارنده ی خود را صالح به نگهداری خود نمی داند. (Lazerge.Cristine,1995,p 165).

به نظر می رسد که نقص این ماده را ماده ۱-۲۲۴ کامل می کند. ماده مذکور کلی است و برای جایی است که کسی با خشونت و حیله یا بدون آن ربوده شود. در حقیقت عمل انجام شده طبق ماده ۸-۲۲۷ اگر همراه با خشونت و حیله باشد با ماده ۱-۲۲۴ قابل مجازات است. (Veron Michel, 1994, p88).

ماده ۴ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشعار داشته: «هرگاه سن منجی علیه پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیبهای وارده فوت کند یا ناپدید شود مجازات مرتکب اعدام است و اگر به او صدمه جسمانی یا روانی وارد شود که منجر به مرض دایم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضاء اصلی بدن او گردد و یا با او لواط شده یا هتک ناموس او شده باشد، مجازات مرتکب حبس دایم است.»

همچنین به موجب ماده ۵ قانون مذکور «هرگاه به مجنی علیه، صدمه جسمی یا حیثیتی وارد شود در صورتیکه سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس دایم است و اگر سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال است.»

آن بخش از مواد مذکور که به صدمات روحی اشاره کرده به اعتبار خود باقی است؛ این وضعیت در ماده ۶۲۱ مورد توجه و دقت قرار نگرفته است. رابطه صدمات روحی و حیثیتی عموم و خصوص مطلق است به نحوی که هر صدمه حیثیتی، صدمه روحی نیز محسوب می گردد لکن هر صدمه روحی الزاماً صدمه حیثیتی نخواهد بود. همچنین آن قسمت از ماده ۴ که به ناپدید شدن مجنی علیه توجه دارد، به جهت خلاء موجود در ماده ۶۲۱ به قوت خود باقی خواهد بود. اما مصادیق مربوط به صدمات جسمی و حیثیتی به دلیل جامعیت ماده ۶۲۱ منسوخ است.

## ۲۸ / تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

در قسمت اخیر ماده ۲-۲۲۴ قانون جزای فرانسه چنین آمده است: «... وقتی که ربایش یا توقیف همرا با عمل وحشیانه یا شکنجه باشد و به دنبال آن قربانی بمیرد، مجازات حبس ابد است...»

در ماده ۷-۲۲۴ هم آمده است: «اگر جرایم مذکور در ماده قبلی (ربودن هواپیما و کشتی و ...) همرا با شکنجه و عمل وحیانه باشد یا باعث مرگ یک یا چند نفر گردد، مجازات آن حبس ابد است». بنابراین، این مورد از اجزاء عنصر مادی و از شرایط و اوضاع احوالی است که برای تحقق جرم آدم‌ربایی باکیفیات مشدده لازم است که مجازات آن حبس ابد است. (Veron Michel, 1994, p338). در خصوص ناپدید شدن مجنی‌علیه، قانون فرانسه اشاره‌ای ندارد.

استنتاج ابقاء ماده ۶ قانون مزبور: «در مورد ناپدید شدن مجنی‌علیه حکم اعدام تا احراز این موضوع که مجنی‌علیه در اثر جرم ارتكابی فوت نموده است اجرا نخواهد شد و محکوم‌علیه در حبس باقی می‌ماند و هرگاه پس از صدور حکم قطعی دلیلی بر زنده بودن مجنی‌علیه به دست آید اعاده دادرسی به عمل خواهد آمد»، نیز با توجه به توضیحات به عمل آمده در موارد قبل، مقرون به واقع می‌باشد. قسمت اخیر ماده هم که اجرای حکم را تا زمان مبرهن شدن فوت مجنی‌علیه به تعویق انداخته، از این جهت که مبتنی بر فرضی صادر شده که امکان اثبات خلاف آن منتفی نیست، منطقی و قابل دفاع خواهد بود.

از آنجا که ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مجازات کسی که توسط دیگری مرتکب آدم‌ربایی شده است را برابر مباشر قرار داده (مباشر معنوی)، ماده ۷ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص نیز که اشعار داشته: «هرکس اعمال مذکور در ماده یک را توسط دیگری انجام دهد به همان مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود و در این مورد ترتیب تخفیف مجازات همان است که درباره مباشر مقرر گردیده است»، سالبه به انتفاع موضوع است.

گرچه جایگاه اصلی بحث مرتکب جرم در حوزه رکن مادی است، لکن با توجه به اشاره‌ای که به مباشر معنوی شد، ذکر این نکته خالی از اهمیت نخواهد بود که به باور برخی از حقوقدانان کشور، نمی‌توان عبارت «توسط دیگری» مذکور در ماده ۶۲۱ را شامل مواردی دانست که مثلاً رئیس یک باند آدم‌ربایی دستور ربودن شخص دیگری را به اعضای باند که دارای شرایط مسئولیت کیفری می‌باشند، صادر می‌کند و آنان نیز این دستور را آگاهانه اجراء کنند چه این که، در این حالت مقام مربوطه، معاونی است که وفق ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی مجازات او مشمول کیفیت مشدده قانونی می‌گردد<sup>۱۳</sup>؛ لذا اعمال

مجازات مباشر علیه کسی که جرم را توسط دیگری انجام می‌دهد مربوط به موردی است که مباشر بنا به جهاتی مثل جنون یا صغر فاقد مسئولیت کیفری باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۶؛ آفایی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). در مقابل، برخی با رد این دیدگاه بر این باورند که منظور و مقصود مقنن از عبارت «توسط دیگری» مصادیقی همچون رهبری باند آدم‌ربایی است که به عنوان مباشر معنوی به زیردستان خود دستور ربایش را صادر می‌کنند (شکری و سیروس، ۱۳۸۳، ص ۶۳۶؛ حجتی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷۸). همچنین به نظر برخی دیگر از دانشمندان حقوق جزای کشور، شخصی که به دستور دیگری و با فقدان قصد خاص مطالبه وجه یا مال یابه هر منظور دیگری و تنها با فعل خود و نوع جرم را تسهیل نموده معاون جرم آدم‌ربایی محسوب می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۲۴). از میان عقاید مزبور، دومین آنها صائب به نظر می‌رسد زیرا، اگر قرار بر این بود که مقام رئیس باند و دستور دهنده در حد معاون آدم‌ربایی باشد نیازی به ذکر آن در این ماده نبود و انگهی جایگاه و موقعیت چنین مقامی و تأثیر آن در حدوث این چنین جرم مهمی، قانونگذار را بر آن داشته تا این شق خاص از معاونت را در حکم مباشرت تلقی نموده و مجازات هم‌سان را بر وی تحمیل کند. به علاوه، اطلاق واژه «دیگری» مانع از آن است که آن را مقید به اشخاص فاقد مسئولیت کیفری نمود. دیدگاه سوم هم از این حیث محل تردید و انتقاد است که به هر حال انجام دهنده و مرتکب جرم هر چند به نفع دیگری، دست‌اندرکار و گریبان‌گیر عملیات اجرایی آن گردیده است، حال آن که از مختصات معاونت، عدم دخالت در حوزه اجرایی جرم است. در نتیجه اراده واقعی مقنن در جرم آدم‌ربایی تحمیل مجازات کامل، هم بر مباشر و هم بر معاون استوار گردیده است و در نتیجه چنانچه مثلاً شخص الف، شخص ب را اجیر نموده تا شخص ج را برآید، هر دوی آنها در این خصوص، مسئولیت تام داشته و به مجازات آدم‌ربایی محکوم خواهند شد.

در انتهای بحث از عنصر قانونی لازم به ذکر است که در قانون مجازات اسلامی نامی از گروگان و گروگان‌گیری برده نشده است اما در حقوق فرانسه به این مسأله توجه شده است و آن را جزء اوضاع و احوال لازم برای تحقق آدم‌ربایی مشدد دانسته است. در ماده ۲۲۴-۴ قانون فرانسه آمده است: «اگر شخص توقیف شده یا ربوده شده مانند یک گروگان باشد، برای تسهیل ارتکاب جرم یا جنحه یا برای ممکن ساختن فرار یا مطمئن ساختن مجرم یا شریکش برای عدم مجازات باشد و یا برای مهیا ساختن یک مجوز و شرایطی بخصوص پرداخت یک مبلغ فدییه (گروبی) باشد جرم مذکور در ماده ۱-۲۲۴ مجازاتش سی سال حبس جنایی است...» همانطور که ملاحظه می‌شود در این ماده به

مواردی مانند درخواست وجه یا غیره اشاره شده است که ناظر به گروگانگیری است ولی قانونگذار ما توجهی به این مسأله نداشته است.

از موارد دیگر در بحث آدمربایی که در حقوق فرانسه مطرح بوده ولی در حقوق ما به آن توجهی نشده است می‌توان به تعدد قربانیان جرم اشاره نمود. در ماده ۳-۲۲۴ قانون جزای فرانسه آمده است که: «وقتی که جرم ماده ۱-۲۲۴ به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد یا بر افراد متعدد جرم ارتکاب یابد مجازات سی سال حبس جنایی است...» این یک حالت خاص است که در قانون جزای فرانسه بیان شده و در قانون جزای ایران وجود ندارد و لازم است قانونگذار ما به آن توجه نماید.

#### ۲-۳- رکن مادی

اشاره به واژه رکن به جای عنصر از این جهت ارجح است که رکن خود متشکل از اجزاء متعددی است که هر کدام در جای خود مورد تحلیل قرار می‌گیرند. از این رو در مقام تبیین رکن مادی بزه آدمربایی، ضروری است به عناصری همچون رفتار مرتکب، موضوع جرم، شخصیت طرفین، وسیله و نتیجه مجرمانه پرداخته شود.

#### ۱-۲-۳- رفتار مجرمانه

رفتار انسان به صورتهای مختلف عنوان مجرمانه پیدا می‌کند. گاه قانونگذار مخاطبان خود را از فعل خاصی منع می‌کند که در صورت انجام آن، تخطی از نواهی بیان شده محسوب و جرم به‌شمار می‌رود. گاه مخاطبان قانونگذار به انجام دادن فعلی مکلف می‌گردند؛ تا در صورت عدم انجام آن مجرم محسوب شوند و گاه جرم در قالب فعل ناشی از ترک فعل ظهور پیدا می‌نماید (اردبیلی، محمد، ۱۳۸۲، صص ۲۱۰-۲۰۹). آدم ربایی از آن دسته جرایمی است که رفتار مجرمانه آن برپایه فعل مثبت مادی و خارجی استوار بوده و با ترک فعل محقق نمی‌شود. فعل مثبت این جرم، «ربودن» است که مستلزم استیلا یافتن بر انسان و جابجایی او از محلی به محل دیگر از طرق مختلفی مثل زور، تهدید یا حيله است (حبیب‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۹). در تعریف لغوی واژه‌ی «ربودن» به معنای چیزی را با تردستی برداشتن و بردن، بلند کردن، به سرعت بردن، به زور و سرعت چیزی را از شخصی بردن آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۸۵۶). می‌توان در تعریف جرم آدمربایی چنین گفت: «آدمربایی عبارت است از استیلا یافتن بر انسان و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر به صورت غیرقانونی و بر خلاف میل و اراده‌ی وی» این تعریف متمایز از تعریف سرقت است؛ زیرا سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است، در حالی که موضوع آدمربایی، انسان است. (حبیب‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

همانگونه که در قسمت قبل بیان شد شرط ربودن، جایگاه آدمربایی را از جرایم مشابهی مثل توقیف و حبس غیرقانونی منفک می نماید. به علاوه به نحوی که پیشتر هم آمد، ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تحقق این جرم را از دو طریق مباشرت و تسبیب با مجازات یکسان پیش بینی کرده که از توضیح مکرر خودداری می شود، جز آنکه باید دقت نمود که قانونگذار صرفاً یکی از صور معاونت یعنی ارتکاب جرم توسط دیگری را در حکم مباشرت قرار داده نه همه مصادیق آن را، لذا شخصی که نه برای خود بلکه برای تحقق خواسته فاعل اصلی آدمربایی است به اقداماتی از قبیل تشویق یا تهیه وسیله ارتکاب جرم یا دلالت و راهنمایی دست بزند تحت عنوان معاون در آدمربایی تحت تعقیب و محاکمه قرار خواهد گرفت تا مجازات حداقل جرم مزبور را متحمل شود.

در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است که آدمربایی به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر باید صورت گرفته شود که همچنین در ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان ۱۳۵۳ نیز به همین عنوان اشاره شده است و آن را بخشی از عنصر مادی جرم آدمربایی دانسته اند. اما در حقوق فرانسه، در ماده ۱-۲۲۴ هیچ اشاره ای به عنف و یا حيله نکرده است و به عبارتی این موارد را از اجزاء عنصر مادی جرم ندانسته است. تنها در قسمت اخیر ماده ۲-۲۲۴ گفته شده است که اگر ربایش همراه با عمل وحشیانه یا شکنجه باشد و به دنبال آن مجنی علیه بمیرد مجازات آن حبس ابد است.

#### ۲-۲-۳- موضوع جرم

موضوع جرم آدمربایی انسان، اعم از پیر و جوان، زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان، عاقل و دیوانه یا صغیر و کبیر است. گرچه قانونگذار از قید زنده در کنار واژه انسان استفاده نکرده لکن از آنجا که شخص متوفی اهلیت آزادی تن خود را از دست داده و دیگر شخص محسوب نمی شود از موضوع این جرم خارج شده (حبیبزاده و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۹) و تحت عناوین دیگری مثل مخفی کردن اموات و مقتولین وفق مواد ۱۴۳۵ و ۱۵۶۳۶ قانون مجازات اسلامی قابل بررسی خواهند بود.<sup>۱۴</sup>

لازم به توضیح است قایل بودن برخی از فقها به اعمال مجازات سرقت برای آدمربایی، نه از بابت تشابه موضوع آنها که از این حیث است که جرم مذکور را مصداق افساد فی الارض دانسته اند (مرعشی، ۱۳۷۶، ص ۳۴). البته برخی دیگر از فقها مثل امام خمینی (ره) در پاسخ به این پرسش که آیا دست آدمربا به دلیل فساد قطع می شود یا خیر می فرمایند: «قول ضعیفی گفته است بله و بر آن روایتی دلالت دارد ولی احتیاط در عدم اجراء قطع بوده و تعزیر آدمربا براساس نظر حاکم است (امام خمینی، ج ۲، ۱۳۸۵، ص ۴۳۹). در واقع دلیل عدم قطع دست آدمربا مطابق این نظر آن است که در سرقت، تقویم

### ۳۲ / تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

مالی و حد نصاب شرعی مطمح نظر قرار دارد، در حالی که انسان، مال محسوب نمی‌گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳، ص ۳۳۵-۳۳۳). عده‌ای دیگر از فقها با تفکیک عبد نابالغ و مجنون از مابقی اشخاص، آنان را مال دانسته و در قطع دست، رباینده را از باب سرقت تلقی کرده‌اند (ابن‌قدامه، ص ۳۶). پذیرش این دیدگاه به این نحو مطلوب نیست؛ زیرا، اولاً حمایت از تن کلیه آحاد انسانی که ارزش و منزلت آنها قابل قیاس به مال نیست، چنین تفکیکی را توجیه نمی‌کند. ثانیاً دفاع از کودک و دیوانه به جهت احتیاج آنها به حمایت بیشتر ایجاب می‌نماید که در همان چهارچوب آدم‌ربایی آن هم با کیفیت مشدده مورد توجه قرار گیرند. اتخاذ چنین موضعی از سوی قانونگذار در ادوار مختلف قانونگذاری من جمله ماده ۶۲۱ نشان از درک درستی از همین واقعیت دارد.

#### ۳-۲-۳- وسیله مجرمانه

تأثیر یا عدم تأثیر وسیله مجرمانه بر جرم یکسان نیست. گاه وسیله مجرمانه نه در ماهیت جرم و نه در تشدید مجازات مؤثر در مقام نمی‌باشد، مثل قتل که به هر طریق و شیوه‌ای می‌تواند محقق شود. گاه وسیله مجرمانه در ماهیت جرم بی‌تأثیر اما در تشدید مجازات اثرگذار است مثل کلاهبرداری که اگر از طریق وسایل ارتباط جمعی صورت پذیرد، قاضی را مکلف به اعمال حداکثر مجازات علیه مرتکب می‌نماید. و بالاخره گاه اهمیت وسیله تا حدی است که در ماهیت جرم ارتكابی نافذ و اثرگذار است بطوریکه بدون آن محقق نمی‌شود. مثل جرم محاربه که وفق ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی از طریق استعمال اسلحه تجلی پیدا می‌کند<sup>۱۷</sup> (حییب زاده، ۱۳۷۰، ص ۹۵). آدم‌ربایی موضوع بررسی ما در این تقسیم‌بندی، از نوع جرایمی است که به کارگیری وسیله نقلیه، بدون تأثیر در ماهیت آن در افزایش مجازات حبس به حداکثر پیش‌بینی شده قانونی (پانزده سال) مقرر است.

#### ۴-۲-۳- شخصیت طرفین

قانونگذار در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی با استعمال واژه هر کس، به شخصیت مرتکب وقعی نگذاشته و این مؤلفه را نه در ماهیت جرم و نه در میزان مجازات قابل اعتنا ندانسته است. اما شخصیت مجنی‌علیه در صورت زیر پانزده سال داشتن، بدون نفوذ در اصل جرم، در تشدید مجازات، یعنی اعمال حداکثر حبس تأثیر دارد. از آنجا که شخص مجنون نیز بر همین پایه نیازمند دفاع بیشتری نسبت به اشخاص عاقل می‌باشند، شایسته همسنگ با اشخاص کمتر از ۱۵ سال مورد حمایت واقع می‌شد.

#### ۵-۲-۳- تأثیر زمان و مکان

برخلاف جرایمی چون سرقت<sup>۱۸</sup> یا اعمال منافی عفت<sup>۱۹</sup> که زمان و مکان در میزان مجازات مرتکب تأثیرگذار است، در خصوص جرم آدم ربایی، هیچ یک از این فاکتورها در تحقق جرم یا کمیّت مجازات نقشی ایفا نمی کنند. معهدا شایسته بود که قانونگذار برای افزایش اثر بازدارندگی، از طریق تشدید مجازات آدم ربایی در مکانهای خاص مثل مناطق زلزله زده و سیل زده و بطور کلی بحران زده که امکان هر نوع سوء استفاده به اوج خود می رسد و نیز زمانهای خاصی مثل شب که تحقق این گونه جرایم خوف و وحشت فزاینده ای را در پی دارد، ریسک ارتکاب جرم را برای قاصد ارتقاء می بخشد. اگر ارتکاب جرایم علیه اموال چون سرقت در زمان شب مبنای کیفیت مشدده خاص قرار گرفته، بطریق اولی ربودن انسان در این زمان شایسته تشدید عقوبت است.

#### ۶-۲-۳- نتیجه مجرمانه

تحقق برخی از جرایم متوقف بر ایجاد نتیجه خاص مطمح نظر قانونگذار است که به جرایم مقید موسوم اند؛ مثل قتل که نتیجه آن سلب حیات از مجنی علیه است. در مقابل، تحقق برخی دیگر از جرایم به صرف انجام عمل مجرمانه و صرف نظر از ایجاد نتیجه خواهد بود که اصطلاحاً به جرایم مطلق یا صوری معروف اند، مثل دخالت در مشاغل دولتی بدون داشتن سمت رسمی یا اذن از طرف دولت. (ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی) در خصوص آدم ربایی، همان گونه که پیشتر گفته شد از آنجا که صرف استیلا بر مجنی علیه کافی به مقصود نبوده و برای تحقق، انتقال و جابجایی از نقطه ای به نقطه دیگر ضرورت داشته و بر همین پایه، آزادی تن وی سلب می گردد، لذا آن را باید مقید نامید (حبیب زاده و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۹. حسینجانی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۵)، در نتیجه، چنانچه مرتکب پس از استیلا بر قربانی نتواند وی را به مکان دیگری منتقل کند مثلاً وی اقدام به پرتاب کردن خود از اتومبیل نماید جرم تام آدم ربایی منتفی و مشارالیه تحت عنوان شروع به آن جرم محاکمه و مجازات خواهد شد.

به رغم منطقی و قابل پذیرش بودن این دیدگاه، نظر مخالف نیز، استیلا و جابجایی بزه دیده را در زمره رفتار مجرمانه و نه نتیجه آن محسوب و از این حیث این جرم را مطلق توصیف کرده اند. (صبری، ۱۳۷۹، ص ۲۵۰، چاله چاله، ۱۳۸۹، ص ۵۷). از آنجا که تنها صرف استیلاء بر مجنی علیه جهت تحقق جرم آدم ربایی مدنظر قانونگذار نبوده است، به نظر می رسد که نظر اول صحیح بوده و باید جرم آدم ربایی را مقید دانست.

#### ۳-۳- رکن روانی

کلیه جرایم اعم از عمد و غیر عمد - به جز جرایم مادی صرف - بر پایه رکن روانی استوارند؛ هر چند رکن روانی جرایم غیر عمد خطای جزایی و رکن روانی جرایم عمدی

### ۳۴ / تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

سوءنیت یا قصد سوء است که خود به دو قسم سوءنیت عام - اراده انجام عملی که قانون منع کرده - و سوءنیت خاص - اراده تحقق نتیجه مجرمانه - تقسیم می‌گردد (استفانی و لواسور، ۱۳۸۳، ج اول، ص ۳۶۰). طبیعی است که بسته به نوع جرم، سوءنیت خاص نیز تفاوت کند، بطوری که مثلاً سوءنیت خاص سرقت، قصد بردن و تصاحب و سوءنیت خاص قاچاق انسان، قصد بهره‌کشی خواهد بود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵-۱۱۴). با توجه به عمدی بودن جرم آدم‌ربایی، داشتن سوءنیت عام - قصد استیلا و ربودن انسان - و سوءنیت خاص - قصد تحصیل نتیجه مجرمانه یا همانا قصد انتقال دادن مجنی‌علیه از محلی به محل دیگر و نیز علم و آگاهی مرتکب به وجود یک موجود انسانی زنده ضروری است (حبیب‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۶). لذا در صورت فقدان هر یک از ضوابط مذکور، مثل این که رباینده از وجود کسی در داخل صندوق عقب خودرو مطلع نبوده و خودرو را حرکت دهد یا انسان خوابیده‌ای را جسد پنداشته و آن را به قصد پنهان کردن یا دفن نمودن حرکت دهد یا به طور صادقانه در مورد رضایت فردی که وی را با خود می‌برد، اشتباه کرده باشد، مرتکب آدم‌ربایی نخواهد شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۷). به علاوه باید تأکید کرد که عدم رضایت بزه‌دیده شرط مهم دیگر تحقق آدم‌ربایی به‌شمار می‌آید. لذا با اثبات رضایت او جرم مزبور اساساً منتفی است. در همین خصوص دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود اشعار داشته: «با توجه به محتویات پرونده و امعان نظر در آن با توجه به وجود روابط عاشقانه بین طرفین که نامه‌های عاشقانه بین آنان رد و بدل می‌شده، آدم‌ربایی ثابت نبوده و محکومیت آدم‌ربایی بلا دلیل است»<sup>۲۰</sup>. در واقع دیوان با توجه به رابطه حاکم بر طرفین و اوضاع و احوال موجود رضایت شاکی را احراز و آن را مانع تحقق جرم مورد بحث تشخیص داده است. بدیهی است رضایت ظاهری مبتنی بر حیله و تهدید و اغفال به منزله عدم رضایت تلقی می‌شود. نکته آخر این‌که، آنچه که در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی از آن به عنوان قصد مطالبه وجه یا مال یا قصد انتقام یا هر منظور دیگر یاد شده، اشاره به انگیزه است که بیشتر در خصوص آن سخن به میان آمد و برداشت شد که با توجه به اطلاق که در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مشاهده می‌شود، شریف بودن یا سوء بودن انگیزه - برخلاف مقررات سابق - تأثیری بر ماهیت و اصل جرم ندارد.

در حقوق فرانسه عنصر معنوی جرم آدم‌ربایی بدین صورت است که مرتکب عمل مادی بخواهد که برخلاف قانون از رفت و آمد مجنی‌علیه جلوگیری نماید البته در مدتی



کماییش طولانی، یا وی را از دنیای اطراف و خارج جدا کند. ( Corr Caen, 1973, p 106).

در مورد ماده ۸۰۷-۲۲۷ هم از یک طرف مرتکب باید آگاهانه و عمداً کودک را از مکانی که در آنجاست یا به آن مکان یا شخص سپرده شده، بر باید و یک مدت زمانی هم بگذرد و از طرف دیگر طفل را به یک روش غیر جازم، عمداً برگرداند. اگر ثابت شود که مرتکب نمی دانسته بوده شده بالاتر از هجده سال دارد و به فرض این که بوده شده بیشتر از هجده سال است او را بر باید، عمل او جرم مذکور در مواد ۸۰۷-۲۲۷ نیست. (Laure Rassat, 1997, p108)

در ماده ۴-۲۲۴ قانون جزای فرانسه ربودن یک شخص به عنوان گروگان برای دریافت باج با اجرای یک دستور یا یک شرط، سی سال حبس جنایی دارد، ولی بطور کلی قانون، محرک ارتکاب جرم را در تعیین مجازات در نظر نمی گیرد؛ قانون بدون توجه به محرک جرم همیشه مجازات واحدی برای جرم معین پیش بینی می کند، مع هذا اگر چه قانوناً محرک جرم در میزان مجازات تأثیری ندارد عملاً محرک در مجازات تأثیر دارد، در عمل قاضی به منظور تعدیل شدت افراطی و خودبخود مجازات در اعمال آن اغلب اوقات محرک جرم را در نظر می گیرد. (دادبان، ۱۳۷۷، ص ۳۵۸)

#### ۴- مخفی کردن دیگری

از جمله اعمال دیگری که در ادوار مختلف قانونگذاری همسان با جوار آدم ربایی با مجازاتی هم سان آن جرم انگاری شده، جرم مخفی کردن دیگری است. در لذا عنصر قانونی هر دو جرم مزبور، واحد خواهد بود. مع هذا در حوزه رکن مادی بین آنها از این حیث تمایز حاکم است که آدم ربایی یک جرم آنی بوده که تحقق آن نیازمند گذشت زمانی کم و بیش طولانی نیست؛ در حالی که جرم مخفی نمودن، با گذشت زمان تحقق یافته و مستمر محسوب می شود (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲). نتیجه این تفکیک در آثار مترتب بر آن مثل مرور زمان است که در آدم ربایی از لحاظ ربایش و جابجایی و در مخفی کردن از زمان خروج از خفا محاسبه می شود.

در پاسخ به این سؤال احتمالی که چنانچه شخصی ابتدا به ربودن دیگری اقدام و سپس وی را مخفی نماید مشمول تعدد جرم می شود یا خیر؟ باید عنوان داشت از آنجا که اختفای پس از ربودن از تبعات و پیامد طبیعی آن است، این اقدام جرمی واحد ارزیابی شده و از قلمرو تعدد خارج است. نتیجه ثانوی این برداشت این حقیقت خواهد بود که جرم مخفی کردن مستقلاً و بدون مسبوق به ربودن دیگری نیز جرم تام خواهد بود. استنباط مزبور با منطوق ماده ۶۲۱ که به طور مستقل به این عنوان پس از آدم ربایی اشاره کرده نیز

همسویی دارد. با این توصیف پذیرش دیدگاه اشخاصی که اختفای مسبوق به ربودن را جرم موضوع ماده مذکور می‌دانند، مشکل می‌نماید (حجتی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۷۸-۱۰۷۷). ممکن است عنوان شود، مخفی کردن غیرمسبوق به ربودن شامل ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی است که اشعار داشته: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش ماه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» (همان، ص ۱۰۷۸). این دیدگاه هر چند از این جهت تقویت شده که با توجه به عبارت «یا غیر آنها» مخفی نمودن توسط اشخاص عادی در این ماده ملحوظ نظر واقع شده تا جهت عدم هم پوشی با ماده ۶۲۱ قانون موصوف نتیجه گرفت که مخفی نمودن مسبوق به ربودن مشمول ماده ۶۲۱ و مخفی نمودن غیرمسبوق به ربودن مشمول ماده ۵۸۳ این قانون قرار خواهد گرفت<sup>۲۱</sup> (چاله چاله، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۴۸) لکن در نهایت قابل خدشه است، زیرا نظر به این که ماده ۵۸۳ ذیل عنوان تقصیرات مقامات و مأموران دولتی تنظیم و تنسیق گردیده و با توجه به اینکه از واژه‌های متعدد مقامات، مأموران دولتی و نیروهای مسلح در آن استفاده شده است، و به علاوه با تأمل در عبارت «بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار» که به اشخاص ذی صلاح دولتی داده می‌شود نه افراد عادی، باید بر آن شد که مرتکب یا مرتکبین این ماده را اشخاص دولتی تلقی نمود نه عادی، و النهایه نتیجه گرفت که منظور از عبارت «و غیر آنها» سایر مأموران و کارمندان مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌ها می‌باشد که در خصوص اقدام به بازداشت افراد مأموریت پیدا کرده‌اند. با این توجیه باید واژه مرتکب مندرج در ماده ۵۸۶ را مربوط به آن دسته از کارمندان دولتی و نیروهای مسلح دانست که در موارد خاص صلاحیت دخالت و توقیف یا مستمر بازداشت افراد را نداشته و به رغم این امر، از طریق جعل اسم یا عنوان و یا استفاده از لباس مأمورینی که حق دخالت دارند، مبادرت به بازداشت یا توقیف غیرقانونی می‌نمایند. مثل مأمورین نیروهای مقاومت بسیج در غیر مواردی که به موجب قوانین خاص مقرر، با استفاده از لباس نیروهای انتظامی مبادرت به توقیف یا بازداشت غیرقانونی افراد نمایند.<sup>۲۲</sup> (حجتی، ۱۳۸۴، ص ۹۶۲).

در حقیقت، تشتت آراء و نظرات در این زمینه، نتیجه عدم دقت قانونگذار در مرزبندی شفاف مرزهای عناوین مجرمانه مشابه است و به گونه‌ای که قیاس شد، چنانچه ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی به اشخاص عادی نیز تسری داده شود، با این پرسش

مواجه خواهیم شد که مخفی نمودن دیگری، شامل این ماده است یا ماده ۶۲۱؟ اگر گفته شود مخفی کردن موضوع ماده ۶۲۱ ناظر به پس از اقدام به ربودن دیگری است، هم با اطلاق ماده تعارض دارد هم با واقعیت عینی. اگر موادی مثل ۵۸۳ و ۵۸۶ را ناظر به اشخاص دولتی بدانیم در خصوص بازداشت و توقیف غیرقانونی توسط اشخاص عادی خلاء قانونی ایجاد می شود و چنانچه آنها را به این قبیل اشخاص نیز سرایت دهیم، با کلمات، عبارات و عناوینی برخورد خواهیم کرد که دولتی بودن مرتکب را - به نحوی که تحلیل شد- به ذهن متبادر می سازند. از این رو تنها سخن قابل دفاع، تمیز و جداسازی دقیق عناوین نزدیک به هم از سویی و تفکیک خالی از ابهام جایگاه مرتکبین و همچنین پرهیز از استعمال واژه ها و عبارات تفسیربردار است.

در پایان بحث مخفی کردن دیگری، یادآور می شود که شروع به جرم مزبور برخلاف شروع به آدم ربایی فاقد توصیف جزایی و مجازات است. همچنین ممنوعیت تعلیق مجازات آدم ربایی در خصوص این جرم اعمال نمی شود.

#### نتیجه گیری

آنچنان که بیان شد، از جمله اهم جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص، آدم ربایی است که هم در حقوق کیفری ایران، فرانسه و حقوق بین الملل جرم و قابل مجازات دانسته شده است. آدم ربایی از آن دسته از جرایمی است که متوقف به خود نبوده و غالباً زمینه ساز جرایم بعدی مثل هتک حیثیت، مطالبه وجه یا مال، سرقت یا حتی مبنای اعمال و وقایعی با انگیزه مشروع همچون ازدواج است. لذا می توان آدم ربایی را در زمره جرایم مانع با مجازات شدید تلقی نمود، تا سدی باشد فراروی قاصدان مشروع و غیرمشروعی که از این طریق در پی به منصف ظهور رسانیدن منویات خود هستند. البته، از مجموع مطالب بررسی شده پیرامون بزه مزبور نتایج ذیل قابل استخراج است:

۱- ماده ۶۲۱ به لحاظ عدم جامعیت، ضرورت دارد مورد بازنگری قرار گرفته و با پیش بینی موارد مندرج در قانون ۱۳۵۳ اقدام به رفع نقص شود. همچنین امکان تعلیق مجازات مخفی کردن و عدم امکان تعلیق مجازات ربودن، جرم انگاری شروع به ربودن و عدم جرم انگاری شروع به اختفاء دیگری، قابل توجیه نیست.

۲- جداسازی و مرزبندی روشن تر آدم ربایی از مصادیق مشابه و مشخص نمودن موقعیت و جایگاه مرتکبین آنها، لحاظ کیفیات مشدده دیگری مثل وقوع آدم ربایی در شب یا دسته جمعی یا با اسلحه یا در زمانها و مکانهای خاصی مثل مناطق بحران زده، از دیگر مواردی است که ضرورت دارد مورد اهتمام قرار گیرند.

### ۳۸ / تحلیل ارکان جرم آدم‌ربایی در روند قانون‌گذاری ایران با نگاهی به حقوق فرانسه

- ۳- از جمله خلاءهای محسوس دیگر ناظر بر مقررات آدم‌ربایی و مخفی کردن دیگری، عدم پیش‌بینی راهکارها و مکانیزم‌های ترمیمی برای بازسازی لطمات و صدمات حیثیتی و روحی وارده بر قربانیان است. لذا از جمله ضروریات انکارناپذیر، اصلاح مجموعه قوانین مربوطه در این سمت و سو بوده تا در پرتو اتخاذ یک سیاست جنایی بزه‌دیده مدار و به کارگیری کارشناسان، مددکاران، جرم‌شناسان، روانشناسان و تأسیس انجمن‌های حمایتی و ترمیمی، راه را برای احیای آرامش روحی و روانی بزه‌دیدگان این پدیده شوم هموار ساخت.
- ۴- کمتر بودن مجازات نوزادربایی پیش‌بینی شده در ماده ۶۳۱ قانون مذکور با سیاست حمایت افزون از این دسته از اشخاص هم‌سویی ندارد.
- ۵- کیفیات مشدده‌ای مانند گروگان بودن فرد ربوده شده، سازمان یافته بودن عمل آدم‌ربایی و تعدد افراد ربوده شده، فقط در حقوق کیفری فرانسه مورد اشاره قرار گرفته‌اند، که در حقوق ایران چنین مواردی دیده نمی‌شود، که پیشنهاد می‌شود، در قوانین و مقررات خاص مورد توجه قانونگذار ما قرار گرفته شود.
- ۶- علل و کیفیات مشدده در حقوق کیفری ایران و فرانسه در مواردی اشتراک دارند. از جمله در ربودن اطفال زیر پانزده سال که در هر دو سیستم حقوقی این مسأله موجب تشدید مجازات می‌گردد، البته میزان مجازات در این دو کشور متفاوت است.
- ۷- هر چند رویه قضایی، ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی را به عنوان تنها عنصر قانونی آدم‌ربایی به رسمیت شناخته و اعتنایی به قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص ۱۳۵۳ ندارد، لکن به گونه‌ای که تطبیق داده شده برخی از مواد این قانون که ناظر به مواردی چون ناپدیدسازی و صدمات روحی است به علت خلاء حاکم بر ماده ۶۲۱ همچنان به قوت خود باقی هستند.
- ۸- در حقوق کیفری فرانسه مواد ۲۲۴-۱ الی ۲۲۴-۵ و مواد ۲۲۷-۷ الی ۲۲۷-۸ عنصر قانونی جرم آدم‌ربایی را تشکیل می‌دهند. در حقوق فرانسه جرایمی مانند توقیف و حبس غیرقانونی به همراه جرم آدم‌ربایی، در مواد فوق آمده‌اند. ولی عنصر مادی این جرم در رویه‌ی قضایی دادگاه‌ها با جرایم فوق‌الذکر متمایز دانسته شده است و هر کدام جرم مستقلی می‌باشند.
- ۹- آدم‌ربایی در زمره جرایم آنی و مقید قرار دارد. آنی از این جهت که تحقق آن متوقف به گذر زمان نیست، و مقید از این حیث که سلب آزادی تن همان نتیجه‌ای است که از قبیل این بزه به دست می‌آید.

۱۰- از لحاظ رکن روانی نیز ادم ربایی در چارچوب جرایم عمدی قرار دارد، چندانکه، که سوء نیت عام آن عبارت است از قصد استیلا بر مجنی علیه و سوء نیت خاص آن عبارت است از قصد سلب آزادی تن وی. برخلاف قوانین سابق که انگیزه سوء در ماهیت این جرم نافذ قلمداد شده بود، در ماده ۶۲۱ به آن توجهی نشده است.

یادداشت ها:

۱. «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچکس را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر و یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کسی نمی توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».
۲. برابر بند "۸" از قسمت "الف" ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، «گروگان گیری» «یک جنایات جنگی محسوب می شود و صلاحیت رسیدگی به آن در دیوان است».
۳. برابر بند "۸" از قسمت "الف" ماده (۸) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، «گروگان گیری» «یک جنایات جنگی محسوب می شود و صلاحیت رسیدگی به آن در دیوان است».
۴. ولقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا.
۵. مواد مذکور به طور تفصیلی در ادامه ی مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
۶. ماده ۱-۲۲۴ مقرر می دارد: «بدون دستور مقام های رسمی و جز در موارد پیش بینی شده به موجب قانون، اقدام به بازداشت، ادم ربایی، نگهداری یا حبس غیرقانونی افراد مستوجب ۲۰ سال حبس جنایی با اعمال شاقه است. دو شق نخست ماده ی ۲۳-۱۲۳ در خصوص مدت زمان تأمین نسبت به این جرم قابل تسری است. با این همه اگر شخص بازداشت شده یا محبوس یه طور اختیاری پیش از روز هفتم از تاریخ توقیف اش آزاد شود، جز در موارد پیش بینی شده به موجب ماده ی ۲-۲۲۴ مرتکب مستوجب ۵ سال کیفر حبس ساده و ۷۵ هزار یورو جزای نقدی است».
۷. ماده ۹-۲۲۴ مقرر می دارد: « اشخاص حقیقی یزهکار به خاطر جرایم پیش بینی شده در فصل کنونی مستوجب کیفرهای تکمیلی زیراند:

۱- ممنوعیت بر اساس شیوه های پیش بینی شده به موجب ماده ی ۳۶-۱۳۱ از حقوق

اجتماعی، مدنی و خانوادگی؛

۲- ممنوعیت بر اساس شیوه‌های پیش‌بینی شده به موجب ماده‌ی ۲۷-۱۳۱ از تصدی

از یک شغل عمومی یا مبادرت به فعالیت شغلی یا اجتماعی که در اجرا یا به مناسبت اجرای آن جرم ارتکاب یافته است؛

- ۳- ممنوعیت از نگهداری یا حمل سلاح با مجوز برای یک دوره‌ی ۵ ساله به بالا.
۸. ماده ۷-۲۲۷ مقرر می‌دارد: «اقدام صورت گرفته به وسیله‌ی هر یک از والدین قانونی، طبیعی یا پدرخوانده و مادرخوانده به ربودن طفل صغیر از ید کسی که به طور معمول سکونت دارد، مستوجب یکسال حبس ساده و یازده هزار یورو جزای نقدی است.»
۹. ماده ۵۷۵: «هرگاه مقامات قضایی با دیگر مأمورین ذی‌صلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نماید به انفسال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»
۱۰. ماده ۵۸۳: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند، یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»
۱۱. ماده ۶۳۱: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»
۱۲. مندرج در قانون مجازات اسلامی، چاپ توسط نهاد ریاست جمهوری.
۱۳. ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی: «سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد، از علل مشدده مجازات است.»
۱۴. ماده ۶۳۵: «هر کس بدون رعایت نظامات مربوطه به دفن اموات جنازه‌ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.»
۱۵. ماده ۶۳۶: «هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی نماید یا قبل از این که به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد، آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهند شد.»

۱۶. هر چند که متأسفانه در این مواد صرفاً به مخفی کردن اشاره شده است لذا ربودنی که منجر به مخفی کردن نشود عنوان جزایی ندارد.
۱۷. ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی: «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه برد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد».
۱۸. مثلاً ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محاربه صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از ۵ تا ۱۵ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه می‌باشد».
۱۹. ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی: «زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است».
۲۰. رأی شماره ۲۰۷-۱۳۷۵/۲/۲، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور (بازگیر، سرقت عادی مسلحانه، ارتشاء ... ص ۲۰۹).
۲۱. اداره حقوق قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی ۷/۴۲۵۰-۱۳۷۶/۱۰/۲ ابراز داشته: «تفاوتی نیست بین آنکه جرایم ارتكابی در مورد مواد ۵۸۳ و ۵۸۶ قانون مجازات اسلامی از سوی مأموران دولتی یا نیروهای مسلح و یا افرادی عادی و غیردولتی ارتکاب شود» (ریاست جمهوری، مجموعه قانون مجازات اسلامی، ص ۲۳۴).
۲۲. ماده ۵۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۵۸۳ اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد، علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد».

منابع:

منابع فارسی:

۱. آزمایش، علی، (۸۱-۱۳۸۰)، تقریرات حقوق جزای عمومی (۱)، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. اردبیلی، محمد، (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
۳. ابن‌قده، عبدالله ابن احمد، الکافی فی الفقه ابن حنبل. (الموضوعات الفقهیه)
۴. بازگیر یداله، (زمستان ۱۳۷۷)، علل نقص آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات نشر حقوق دان، چاپ دوم.
۵. چاله‌چاله، فرشید، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹)، عنوان‌های مجرمانه آدم‌ربایی و بازداشت غیرقانونی، ماهنامه دادرسی شماره ۷۹ سال چهاردهم.
۶. حبیب‌زاده، محمد جعفر و رحیمی نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۳)، جرم آدم‌ربایی در حقوق ایران، تهران، مجله دادرسی ش ۴۳.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال، تهران، انتشارات سمت.
۸. حبیب‌زاده، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
۹. خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، ج ۲.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. زراعت، عباس، (۱۳۸۶)، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، قم، انتشارات فکرسازان.
۱۲. زراعت، عباس، (بهمن ۱۳۸۳)، بررسی جرم آدم‌ربایی، دوهفته‌نامه مفید، شماره ۳۳.
۱۳. شکری، رضا و سیروس، قادر، (۱۳۸۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر مهاجر، چاپ سوم.
۱۴. صبری، نورمحمد، (۱۳۸۷)، ساده‌ساز حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ سوم.



۱۵. صادقی، میرمحمد، (۱۳۸۷)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۱۶. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۶)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم.
۱۷. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۲)، محشای قانون تعزیرات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۸. گاستون، استفانی، ژرژ لواسور، برنار بولوک ترجمه، دادبان حسن، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۳
۱۹. مرعشی، سید محمد حسین، (۱۳۷۶)، افساد فی الارض، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۰.
۲۰. نخله، موريس، (۲۰۰۲)، القاموس القاء نونيه الثلاثه، منشور الحلبى الحقوقيه الاولى.
۲۱. نوربها، رضا، (۱۳۸۶)، زمينه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ بیستم.

(ب) منابع لاتین

22. Code penal (nouveau code penal, Ancien code penal) Dalloz, 1996-97
23. Laure Rassat, Michele, Droit penal special (infraction des et contre les particuliers), Dalloz 1997.
24. Lazerge, Cristine, reflexion sur le nouveau code penal, Edition A. Pedone, paris, 1995.
25. Veron Michel, Droit penal special, Masson, paris 1994.